

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرنکفورت – جنوری ۲۰۰۴م

تخلص "اسیر"

شعر ذیل استدعائیت از تازه جوانی که با تخلص "اسیر" به فعالیت فرهنگی آغاز کرده و مطلبی هم در یکی از صفحات اینترنت به نشر سپرده بود. مطلب و موضوع استدعاء در اصل شعر نهفته است، که بدین وسیله به اهل ذوق و شعردوستان تقدیم می گردد.

گرفته دست قضا، مایه خمیر از من
فزون ز پنج دهه، رهسپار این راهم
که شاهدند همه واصلان فضل و ادب
اگرچه در صف احباب جای من خالیست
رموز طبع بلندم "اسیر" شهرت نیست
مرا فراز و نشیب زمانه شاعر ساخت
اگرچه قامت و ارسته ام کمانی شد
شنیده ام که جوانی ز کشور هالند
به انکسار به این نوجوان هزار سلام
اگر حقیقت این ماجرا کنم تحریر
ز عمرهاست من این کوره راه پیمودم
ز دستبرد حوادث حفاظتش کردم
به بزم شعر و سخن دور زندگانی رفت
بود امید فراوان و آرزو بسیار

که تا درست کند شاعر "اسیر" از من
سراغ این ره باریک هم، بگیر از من
که واقف اند همه مردم خیبر از من
رسیده صیت سخن بر جوان و پیر از من
زمانه ساخته گـوینده شهر از من
مگر نساخت به کابینه ای وزیر از من
معاشران نگریند، همچو تیر از من
فتاده در پی این نام بی نظیر از من
بگو که مهر و محبت همی پذیر از من
سر تو نیز به درد آید و ضمیر از من
چه شیرها که ازین شعر خورده شیر از من
تو هم تخلص خوب مرا بگیر از من
کنون که ساخته رنج زمانه پیر از من
که در کشاکش دنیا و دار و گیر از من

چو منصفانه نمائیم بین هم تقسیم
هزار نام و تخلص ز تو «اسیر» از من